

## مرا سفر به کجا می برد؟

مرا سفر به کجا می برد؟/ کجا نشان قدم ناتمام خواهد ماند/ و بند کفش به انگشت‌های نرم فراغت/ گشوده خواهد شد؟/ کجاست جای رسیدن، و پهن کردن یک فرش/ و بی خیال نشستن/ و گوش دادن به/ صدای شستن یک ظرف زیر شیر مجاور؟

از حدودا ۲,۵ سال پیش، سلسله درسگفتارهای فلسفی را در «بنیاد سهروردی» آغاز کرده‌ام؛ ابتدا به «فلسفه ویتگنشتاین متقدم» و «فلسفه ویتگنشتاین متاخر»، هر یک در سیزده جلسه پرداختم. پس از آن دوره «روشنگری و فلسفه کانت» در چهارده جلسه برگزار شد؛ دوره‌های پانزده جلسه‌ای «معرفت‌شناسی و تفکر نقادانه» و «فلسفه اخلاق» از پی آن برگزار گردید. در پاییز و زمستان امسال، ابتدا به «فلسفه کیر که گارد» در دوازده جلسه و سپس به «فلسفه اسپینوزا» پرداختم. جلسه چهاردهم و آخر «فلسفه اسپینوزا»، شنبه این هفته برگزار شد. تمام فایل‌های صوتی این درسگفتارها روی سایت و در کانال تلگرامم در دسترس است...

چنانکه وعده کرده بودم، از شنبه پیش‌رو، درسگفتار «فلسفه هیوم» را آغاز می‌کنم؛ پس از اتمام آن، بنا دارم به هانا آرنت پردازم و دوره «فلسفه آرنت» را برگزار کنم.

خرسندم که برگزاری این سلسله درسگفتارها به کار فلسفه پژوهان و علاقه‌مندان به فلسفه غرب آمده، از ابراز محبت‌های بسیار دوستانی که شنونده این درسگفتارها در داخل و خارج کشور بوده و ملاحظات و نظرات خود را از طریق ایمیل، فیس بوک، تلگرام و اسکایپ، به نحو کتبی و شفاهی با من در میان گذاشته، صمیمانه سپاسگزارم.

صادقانه بگویم، پرداختن به آراء فیلسوفان بزرگ معاصر و درباره آنها تأمل کردن و در هوای‌شان دم زدن و چند صباحی از منظر ایشان به هستی و جهان پیرامون نگرستن برایم عمیقاً لذت‌بخش است؛ تو گویی بخشی از سیر و سفر فکری‌ای (intellectual journey) است که سال‌هاست بدان مشغولم؛ سفری که نهایی ندارد و نفس در راه بودن و سفر کردن و پیش رفتن، غایت و مقصد آن است؛ که رسیدن و فراغتی در کار نیست و «بی نهایت حضرت است این بارگاه».